

من یوحی^۱

«من یوحی» نام قصبه ای است که در جنوب آبادان واقع است و تا خسرو آباد

یک فرسخ فاصله دارد. در

حدود هشت هزار متر مربع

وسعت و قریب پنج هزار و

چهار صد نفر جمعیت آن است.

این قصبه بدو بخش تقسیم

میشود که ریاست بخش اول

با «شیخ تریاک» است و

سرپرستی بخش دوم با «شیخ

عبود مطرقی» است، اینها

هر کدام در حوزه هر بوط بخود

در جریان امور مراقبت مینمایند

مشکلات اهالی را حل میکنند

و چنانچه نزاعی بینشان واقع

شود بای میانجیگری در پیش

نهاده آنها را آشتی میدهند

و اگر رسیدگی بموضوع از

صلاحیت آنها خارج باشد،



شیخ تریاک، رئیس بخش اول «من یوحی»
شیخ تریاک مردی است کریم و مهربان که اهالی
من یوحی خیلی باو اعتماد داشته و دوستش میدارند

۱ - بنقل از مجله «اخبار هفته» چاپ آبادان - یوحی عیناً مانند نوحی تلفظ

میشود و یاء آخر آن بجای الف مقصوره نیست (یادگار)

طرفین دعوی را بزرگان داری خسرو آباد میفرستند.
در بخش اول «من یوحی» دبستان چهار کلاسه‌ای است که در سال ۱۳۱۴ تأسیس و بواسطه پیش آمد سوم شهریور در سال ۱۳۲۰ تعطیل گردید تا سال ۱۳۲۴ یعنی سه سال پیش که مجدداً بهمت ریاست فرهنگ آبادان افتتاح یافت. فعلاً این دبستان یکصد و پنج شاگرد دارد و مدیریت آن بمعهده آقای خان‌الله ثابت میباشد. این جوان زرنگ و پرحوصله دقیقه‌ای از وقت خود را ببطالت نمیکذرانند، تمام شاگردان کلاسه‌های اول و دوم و سوم و چهارم را خودش درس میدهد، علاوه بر این



در این عکس شیخ تریاک را مشاهده میکنید که ساده آقای خان‌الله ثابت، مدیر و بی‌آلایش نشسته و بامور مردم رسیدگی میکند دبستان «من یوحی» بجوانی هم که عبدالوهاب سلمان‌پور نام دارد دروس کلاسه‌های پنجم و ششم را می‌آموزد و بجای اجرت تعلیم از او در تدریس کلاسه‌های اول و دوم کمک میگیرد. خان‌الله ثابت شبها بعد از تدریس فارغ نیست و در کلاسه‌های اکابر چهل نفر شاگرد کلانسال دارد، با این وصف هر هفته، ظهر پنجشنبه که مدرسه تعطیل میگردد، بجای استراحت فوراً خود را بخسرو آباد رسانده از آنجا عازم شهر آبادان میشود و پیش یک دبیر خصوصی کلاسه‌های هشتم و نهم را درس میخواند که سیکل اول متوسطه را امتحان دهد و تصدیق بگیرد.

در بخش دوم، زیارتگاهی است بنام «علی ظاهر» که تاریخچه صحیح آن در

دست نیست. بعضی میگویند این زیارتگاه مدفن امامزاده ایست بنام علی ظاهر که از ذریه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب بوده و بعضی عقیده دارند «علی ظاهر» قدمگاه حضرت علی علیه السلام است که در آنجا ظاهر شده و نماز گزارده است. آقای



شیخ عبود مطرفی، رئیس بخش دوم «من یوحی»
 شیخ عبود مردبا سواد و فهیمه‌ای است که مدتی نیز در طهران بوده و کاملاً
 بتمدن امروز آشنا می‌باشد.

فاضل شهباز هم که پیشوای روحانی اهالی است نظر دوم را تأیید میکند.

دبستان چهارکلاسه‌ای هم قرار است در بخش دوم افتتاح شود ولی هنوز
 نشده و فعلاً بچه‌ها برای درس خواندن ببخش اول می‌روند. بخش دوم «من یوحی»
 تا اندازه‌ای خرم‌تر و مصفا‌تر از بخش اول است. منظره شاعرانه دارد و مخصوصاً

قصر شیخ عبود در محل زیبایی واقع شده است. در خصوص تاریخچه «من یوحی» میگویند اول در آنجا خانواده‌ای سکونت داشتند بنام خانواده «انس» (بر وزن جرس) که چندی بعد بعراق رفتند و پس از رفتن آنها، بواسطه طغیان رودخانه، آب آن قسمت را گرفت و آنچه بود خراب کرد تا اینکه شیخ جابر، پدر شیخ خزعل، آن اراضی را بین عده‌ای تقسیم نمود که بهمت خود آباد کنند. در میان آنها دو تن یکی شیخ سبحان، جد شیخ تریاک و دیگری شیخ ناصح، جد شیخ عبود در آبادی آنجا زیاد کوشیدند پس از فوت حاجی جابر «مزعل» پسر او بجایش نشست و در «فیلیه» شانزده



سال تمام خوزستان حکومت کرد. بعد از او برادرش خزعل روی کار آمد و بیست و نه سال حاکم استان ششم بود. *رساله جامع علوم انسانی*
خزعل در زمان حکومت خود بازاری در آنجا ساخت بنام «خزعل آباد» که فعلاً خرابه‌های آن باقیست.

اهالی من یوحی مردمانی زحمت کش و فعال و صبور میباشند و اغلب کشاورز و زارعند، بعضی نیز مالک هستند. گاهی بمقدار کم سیب و انگور میکارند ولی محصول عمده من یوحی خرماست که مقدار آن بسالی سیزده هزار خروار بالغ میشود. مقداری از این محصول در داخله مملکت مصرف میشود و مقدار زیادی نیز بخارج صادر میگردد. قسمت عمده خوراک اهالی نیز خرماست.